

حق انجام مناسک دینی اسرای جنگی در فقه امامیه و حقوق بشردوستانه

مصطفی احمدی فر

نویسنده مسئول، استادیار گروه علوم قرآنی و حدیث، جامعه المصطفی العالمیه، قم، ایران. رایانامه:

0945367430@miu.ac.ir

کاظم خسروی

گروه حقوق، دانشگاه آزاد اسلامی واحد مشهد، مشهد، ایران. رایانامه: Kazem.khosravi@iaiu.ac.ir

چکیده

آزادی مذهبی و حقّ عبادت از بنیادی‌ترین حقوق کرامت‌محور انسان است، اما در شرایط اسارت جنگی، تحقق آن با چالش‌های مضاعفی روبه‌رو می‌شود. پژوهش حاضر که با روش توصیفی-تحلیلی و رویکرد تطبیقی انجام شده، جایگاه حقّ عبادت اسیران جنگی را در دو نظام فقه امامیه و حقوق بشردوستانه بین‌الملل تبیین می‌کند. نوآوری مقاله، ارائه معیار عینی خطر قطعی عقلایی در برابر خطر احتمالی موهوم برای حلّ تعارض (تزامم) میان حقّ عبادت و الزامات امنیتی است. یافته‌ها نشان می‌دهد که در فقه امامیه، فراهم‌آوری امکان عبادت، تکلیفی شرعی-حکومتی بر عهده دولت اسلامی است که از کرامت ذاتی انسان و قواعدی چون لا ضرر، نفی سبیل و مقدمه واجب استنباط می‌شود؛ در حالی که حقوق بین‌الملل (کنوانسیون سوم ژنو، ۱۹۴۹) این حق را مشروط به ملاحظات نظم و امنیت دانسته که به‌دلیل تفسیرپذیری، با چالش اجرایی مواجه است. فقه امامیه با پیش‌بینی احکام تفصیلی طهارت در شرایط دشوار و نماز خوف و اشاره، از حیث ضمانت اجرا و پوشش گستره عبادت، کارآمدتر به نظر می‌رسد. در پایان، راهکارهای عملیاتی بومی‌سازی پروتکل‌های رفتاری با اسیران ارائه شده است.

کلیدواژه‌ها: اسیر جنگی، حق عبادت، فقه امامیه، حقوق بشردوستانه، قاعده التزامم.

مقدمه

جنگ به عنوان یکی از ویران کننده ترین پدیده های انسانی، همواره بنیادی ترین حقوق انسان ها را نشانه رفته است. در این میان، اسیر جنگی که توان دفاع از خویش را از دست داده، در آسیب پذیرترین وضعیت حقوقی و انسانی قرار می گیرد (رمضانی، ۱۴۰۲ ش، ص ۵۵). یکی از ارکان حیاتی کرامت ذاتی اسیر، حفظ هویت دینی و امکان به جا آوری مناسک عبادی اوست. نادیده انگاشتن این حق، فروپاشی روانی-معنوی اسیر را در پی دارد و در زمره مصادیق شکنجه روانی و نقض کرامت تکوینی انسانی تلقی می شود (بیگزاده و میرزاده، ۱۳۹۴ ش، ص ۶۳). رفتار با اسیران جنگی در طول تاریخ دستخوش تحولات حقوقی و انسانی بسیاری بوده که به تدریج به تدوین قواعد مدون بشردوستانه انجامیده است.

با وجود تصریح حق عبادت در کنوانسیون سوم ژنو (۱۹۴۹) و تأکید فقه امامیه بر آن، همچنان پرسش اصلی این پژوهش این است که مبانی فقهی و حقوقی فراهم آوری مقدمات عبادت (زمان و مکان مناسب، وسایل طهارت، امنیت جانی و دسترسی به روحانی) برای اسیر، از سوی دولت اسیرکننده چیست؟ پرسش های فرعی عبارت اند از:

تفاوت رویکرد فقه امامیه و حقوق بین الملل در حل تعارض (تزامم) میان حق عبادت و الزامات امنیتی چیست؟

چه راهکارهای عملیاتی برای تسهیل عبادت اسیران در اردوگاه ها قابل ارائه است؟

ضرورت پژوهش از آنجا ناشی می شود که تاکنون معیار روشنی برای تشخیص خطر امنیتی موجه در تزامم با حق عبادت ارائه نشده و این خلأ، موجب تفسیرپذیری و سوء استفاده های امنیتی گردیده است. روش پژوهش، توصیفی-تحلیلی با رویکرد تطبیقی است که با استفاده از منابع کتابخانه ای و اسناد بین المللی، به مقایسه دو نظام حقوقی می پردازد.

۱. پیشینه پژوهش و جایگاه کار حاضر

موضوع حقوق اسیران در اسلام و حقوق بین الملل، سابقه ای دیرین در ادبیات حقوقی و فقهی دارد. از جمله پژوهش های بنیادین می توان به موارد زیر اشاره کرد:

الف) پژوهش های نظری در فقه و حقوق اسلامی:

در کنار پژوهش های حقوقی پراکنده ای که به موضوع اسیر پرداخته اند (ضیائی بیگلری، ۱۳۶۶ ش، ص ۱۷۰؛ محقق داماد، ۱۳۷۵ ش، ص ۱۵۲؛ رمضانی، ۱۴۰۲ ش، ص ۵۴)، مطالعات فقهی محدودی نیز در این حوزه صورت گرفته است. (قربان نیا، ۱۳۹۰ ش، ص ۴۵) در پژوهشی مستقل، آزادی مذهب در اسارت را با تمرکز بر قاعده نفی سبیل واکاوی کرده و به چالش های اجرایی آن در تقابل با قوانین امنیتی داخلی اشاره نموده است. (هادی پور، ۱۳۸۵ ش، ص ۸۵) با رویکردی تطبیقی، حق عبادت اسیران را در فقه امامیه و اسناد بین المللی بررسی و بر غنای احکام فقهی در شرایط اضطرار تأکید کرده است.

اما پژوهش های فقهی محض که به طور ویژه به تبیین قواعد عبادت اسیر در چارچوب منابع اصیل فقهی پرداخته باشند، نادر است. از جمله پژوهش های فقهی ارزشمند در این زمینه، آثاری است که احکام اسیران و شرایط عبادت آنان را با استناد به منابع دست اول فقهی مذاهب خمس (مانند الخلاف، مختلف الشیعة، المغنی و بدائع الصنائع) واکاوی کرده اند (زرشکی و پروین، ۱۴۰۰ ش، ص ۲۸).

ب) کاستی‌های پژوهش‌های پیشین:

باوجود گستردگی این پژوهش‌ها، مهم‌ترین خلأهای فقهی موجود در ادبیات موضوع عبارت‌اند از:

- (۱) عدم تبیین فقهی قاعده تزام در شرایط اسارت، به‌گونه‌ای که میان حق عبادت و الزامات امنیتی حد فاصل روشنی ترسیم شود (نجفی، ۱۳۶۷ق، ج ۲۱، ص ۴۵؛ خمینی، ۱۳۶۸ش، ج ۱، ص ۳۰۰)؛
- (۲) عدم تطبیق احکام تفصیلی طهارت (تیمم با خاک، سنگ و برف) و نماز خوف با چالش‌های عینی اردوگاه‌های اسارت در پژوهش‌های پیشین (طوسی، ۱۳۶۳ش، ج ۲، ص ۶۰؛ خمینی، ۱۳۶۸ش، ج ۱، ص ۳۴۲)؛
- (۳) فقدان معیاری فقهی-عقلایی عینی و عملیاتی برای تشخیص خطر امنیتی موجه در تزام با حق عبادت، که منجر به تفسیرپذیری و سوءاستفاده‌های امنیتی می‌شود (عمید زنجانی، ۱۳۷۷ش، ج ۳، ص ۱۱۵)؛
- (۴) عدم ارائه راهکارهای اجرایی مبتنی بر احکام فقهی تفصیلی (نظیر نماز خوف، نماز اشاره و تیمم) در قالب پروتکل‌های رفتاری نیروهای مسلح، که به‌رغم غنای فقهی، در عمل میدانی کمتر مورد توجه قرار گرفته است. پژوهش حاضر با هدف پرکردن همین خلأها، به‌ویژه با بهره‌گیری از منابع اصیل فقهی و ارائه معیار عینی خطر قطعی، طراحی شده است.

۲. تعریف مفهومی و عملیاتی حق عبادت در اسارت

اگرچه در متون فقهی و اسناد بین‌المللی، تعریف جامع و منسجمی از حق عبادت با تفکیک مؤلفه‌های چهارگانه ارائه نشده است، اما با استقراء در ادله و قواعد پراکنده، می‌توان شاخص‌های عینی آن را در چهار بُعد زیر احصاء کرد. پژوهش حاضر، حق عبادت اسیر جنگی را بر اساس همین مؤلفه‌های عینی، قابل‌سنجش و تکرارپذیر تعریف می‌کند:

۱. **فضای مکانی امن:** اسیر باید به محلی دسترسی داشته باشد که از تهدید جانی فوری در امان باشد و بتواند در آن نماز و مراسم جمعی را به‌جا آورد. این مؤلفه از قاعده فقهی لا ضرر نشأت می‌گیرد که بر اساس آن، حاکم اسلامی موظف است هرگونه خطر جانی احتمالی را از محل عبادت اسیر برطرف کند (نجفی، ۱۳۶۷ق، ج ۲۱، ص ۴۰). کنوانسیون سوم ژنو نیز در ماده ۲۲، بر تأمین شرایط زیستی اسیران در اماکن امن و به‌دور از تهدید مستقیم جنگی تأکید دارد.

۲. **زمان کافی:** اسیر باید فرصت کافی برای ادای فرایض روزانه (نمازهای یومیه) و ماهانه (روزه رمضان) داشته باشد. این مؤلفه از وجوب عینی نماز و روزه بر اسیر (که در منابعی چون تحریرالوسیله بدان تصریح شده) و قاعده مقدمه واجب استنتاج می‌شود؛ به‌این معنا که فراهم‌آوری زمان کافی برای ادای فریضه، بر حاکم واجب می‌شود (خمینی، ۱۳۶۸ش، ج ۱، ص ۲۸۵).

۳. **امکانات طهارت:** اسیر باید به آب پاک برای وضو دسترسی داشته باشد، یا در صورت نبود آب، امکان استفاده از بدل شرعی آن (تیمم با خاک، سنگ یا برف) برای او فراهم شود. این مؤلفه مستقیماً از احکام فقهی طهارت در شرایط اضطرار استخراج شده است که شیخ طوسی در المبسوط (طوسی، ۱۳۶۳ش، ج ۲، ص ۶۰) و امام خمینی در تحریرالوسیله (خمینی، ۱۳۶۸ش، ج ۱، ص ۳۴۲) به تفصیل به آن پرداخته‌اند.

۴. **هدایت معنوی:** اسیر باید بتواند با روحانی هم‌کیش خود ارتباط برقرار کند یا به منابع دینی معتبر برای آموزش احکام اضطراری دسترسی داشته باشد. این مؤلفه مبتنی بر تأکید فقها بر لزوم تعلیم احکام شرعی به اسیران برای اجرای صحیح عبادات است (طوسی، ۱۳۶۳ش، ج ۲، ص ۷۸). حقوق بین‌الملل نیز در ماده ۳۵ کنوانسیون سوم ژنو، به نقش روحانیون اسیرشده در هدایت معنوی هم‌کیشان اشاره دارد.

از این منظر، هرگونه ممانعت از هر یک از این مؤلفه‌ها، نقض عینی حقّ عبادت تلقی می‌شود. این چهارچوب تحلیلی، هرچند به‌صورت متمرکز در منبعی واحد یافت نمی‌شود، اما با رویکردی استقرایی از مجموع منابع فقهی و حقوقی مذکور احصاء گردیده و با تأکیدات کلان فقیهانی چون عمید زنجانی (عمید زنجانی، ۱۳۷۷ش، ج ۳، ص ۴۵) بر کرامت معنوی اسیر و نیز پژوهش‌های تطبیقی معاصر (هادی‌پور، ۱۳۸۵ش، ص ۸۹) درباره ابعاد عینی حقّ عبادت، همسو است.

۳. مبانی فقهی حقّ عبادت اسیر در اسلام (فقه امامیه)

در فقه امامیه، رفتار با اسیر جنگی بر اصولی متعالی استوار است که فراتر از منافع ملی صرف، به کرامت ذاتی انسان و الزامات الهی می‌پردازد. برخلاف نظام‌های حقوقی صرفاً قراردادی، اسیر در این نگاه، نه تنها نیروی تحت‌الحمایه، بلکه مهمان خدا در سرزمین اسلامی تلقی می‌شود و از کرامتی تکوینی برخوردار است که هیچ‌گاه نباید سلب گردد (عمید زنجانی، ۱۳۷۷ش، ج ۲، ص ۴۵؛ هادی‌پور، ۱۳۸۵ش، ص ۱۱۲).

۳-۱. اصل کرامت انسانی و قاعده نفی سبیل

قرآن کریم، انسان را دارای کرامت ذاتی تکوینی معرفی می‌کند: ﴿وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ﴾ (اسراء/۷۰). اسارت، صرفاً سلب آزادی فیزیکی است و هرگز نباید به سلب کرامت معنوی بینجامد. ممانعت از عبادت، تحقیر اسیر و تعرض به حریم معنوی اوست که با روح شریعت اسلام ناسازگار است (نجفی، ۱۳۶۷ق، ج ۲۱، ص ۳۸).

قاعده فقهی مشهور نفی سبیل که مستند به آیه شریفه ﴿وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا﴾ (نساء/۱۴۱) است، اقتضا می‌کند که ممانعت از عبادت اسیر مسلمان، مصداق سلطه معنوی کافر بر مؤمن بوده و به‌شدت حرام است (طوسی، ۱۳۶۳ش، ج ۲، ص ۸۴؛ خامنه‌ای، ۱۳۸۰، بخش احکام جهاد). بر این اساس، اسیر مسلمان همچنان مکلف به انجام تکالیف شرعی است و وجوب عبادت با اسارت ساقط نمی‌شود. قرآن با تعبیر ﴿فَشَدُّوا الْوُثَاقَ﴾ (محمد/۴) به اصل اسارت و قائلاناً مَتَّأ بَعْدَ وَاِمَّا فِدَاءً (محمد/۴) به آزادی کرامت‌محور اشاره دارد که ناظر بر منت‌گذاری یا فدیہ‌گیری انسانی است (محقق داماد، ۱۳۷۵ش، ص ۱۵۲).

۳-۲. ادله چهارگانه وجوب فراهم‌آوری امکان عبادت

بر اساس متون فقهی، بر حاکم اسلامی که اسیر در اختیار اوست، واجب عینی است که موانع عبادت را برطرف کند. شیخ طوسی (المبسوط) و محقق حلی (شرائع) به لزوم حفظ جان، مال و آبروی اسیر تأکید دارند. امام خمینی نیز برخورد انسانی با اسیر را از قواعد اصولی اسلام می‌دانند (خمینی، ۱۳۶۸ش، ج ۱، ص ۴۱۲).

اگرچه بابی مستقل با عنوان حقّ عبادت اسیر در کتب فقهی قدیم دیده نمی‌شود، اما با استناد به چهار قاعده کلی، وجوب آن به‌صورت قطعی اثبات می‌گردد:

۱. **قاعده لا ضرر و لا ضرار**: مستند به حدیث نبوی مشهور، ممانعت از عبادت، ضرر معنوی و اخروی جبران‌ناپذیری به اسیر وارد می‌سازد که رفع آن بر حاکم واجب است (نجفی، ۱۳۶۷ق، ج ۲۱، ص ۴۰).

۲. **قاعده وجوب مقدمه واجب**: از آنجا که نماز و روزه بر اسیر واجب عینی است، مقدمات آنها (آب، مکان امن، زمان و آموزش احکام) نیز بر حاکم اسلامی واجب می‌شود. این قاعده، تکلیف حکومتی را در برابر نیاز شرعی اسیر اثبات می‌کند (خمینی، ۱۳۶۸ش، ج ۱، ص ۲۸۵).

۳. **قاعده اعانه بر اثم**: بر اساس آیه شریفه ﴿وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ﴾ (مائده/۲)، ممانعت از نماز اسیر، موجب شرکت در گناه ترک فریضه می‌شود که به‌صراحت تحریم شده است (خمینی، ۱۳۶۸ش، ج ۱، ص ۲۸۶).

۴. **قاعده لطف در مکتب امامیه:** بر اساس این قاعده که فعل قبیح عقلی باید از سوی شارع منع شود، ترک تسهیل عبادت برای اسیر، مصداق ترک لطف واجب بر حاکم است که عقلاً و شرعاً نکوهیده است (عمید زنجانی، ۱۳۷۷ش، ج ۳، ص ۱۱۰).

افزون بر منابع پیشین، فقیهان بزرگ امامیه در آثار تطبیقی خود مانند الخلاف شیخ طوسی و مختلف الشیعة علامه حلی، بر وجوب تسهیل عبادت برای اسیران تأکید کرده‌اند و ممانعت از آن را خلاف اجماع فقهی دانسته‌اند (طوسی، ۱۴۱۶ق، ج ۳، ص ۲۳۸؛ حلی، ۱۴۱۵ق، ج ۴، ص ۴۴۰). در فقه اهل سنت نیز، فقیهانی همچون ابن قدامه در المغنی به وجوب حفظ کرامت و جان اسیران تصریح کرده و هرگونه تعرض به حریم معنوی آنان را ناروا شمرده‌اند (ابن قدامه، ۱۴۱۷ق، ج ۱۰، ص ۴۵۰). همچنین کاسانی در بدائع الصنائع، تسهیل امور عبادتی اسیران را در شرایط دشوار، از لوازم رعایت کرامت انسانی دانسته است (کاسانی، بی تا، ج ۵، ص ۱۲۰). این همسویی در دیدگاه فقیهان مذاهب مختلف، نشان‌دهنده اتفاق نظر فقهی بر وجوب فراهم‌آوری امکان عبادت برای اسیران است.

استنباط نهایی: اگر اسیری بخواهد نماز بخواند و حاکم اسلامی مانع او شود، مرتکب فعل حرام و مستحق تعزیر شرعی خواهد شد (نجفی، ۱۳۶۷ق، ج ۲۱، ص ۴۵).

۳-۳. احکام خاص طهارت و نماز در اسارت

فقه امامیه با ارائه راهکارهای جایگزین و دقیق، بُعد تسهیل‌گری را در سخت‌ترین شرایط اسارت به‌تصویر می‌کشد و نشان می‌دهد که شارع، اصل عبادت را فدای شرایط سخت نمی‌کند:

(الف) طهارت: در صورت نبود آب یا ممنوعیت استفاده از آن (به‌عنوان تنبیه)، حکم تیمم با خاک پاک جاری می‌شود. سید محسن حکیم در مستمسک العروة الوثقی نیز بر صحت و کفایت تیمم در شرایط فقدان آب یا ممنوعیت استفاده از آن تصریح کرده است (حکیم، ۱۳۹۱ق، ج ۵، ص ۲۴۰-۲۴۵). همچنین، فقها تصریح کرده‌اند که کسی که با تیمم نماز می‌خواند، با وجود کراهت، می‌تواند امام جماعت دیگر اسیران شود تا مبدا نماز جماعت به‌کلی ترک شود (نجفی، ۱۳۶۷ق، ج ۲۱، ص ۱۰۲).

(ب) جهت قبله: در صورت عجز از تشخیص دقیق قبله (نظیر شب‌های تاریک یا اردوگاه‌های فاقد ابزار)، اسیر بر اساس ظن خود عمل می‌کند و در صورت عجز مطلق، به هر جهتی که احتمال بیشتری می‌دهد، نماز می‌گزارد و نمازش صحیح است (خمینی، ۱۳۶۸ش، ج ۱، ص ۳۷۵؛ عمید زنجانی، ۱۳۷۷ش، ج ۳، ص ۱۱۲).

(ج) نماز در حالت خوف و اشاره: در شرایط شدید اضطراب، تهدید و ترس ناشی از اسارت (که امکان رکوع و سجود کامل وجود ندارد)، حکم نماز خوف و در موارد اضطراب شدیدتر، نماز اشاره جاری می‌شود. بر اساس فقه امامیه، در نماز خوف، نمازهای چهار رکعتی (ظهر، عصر و عشاء) به دو رکعت تقلیل می‌یابند و در شرایط بسیار وخیم (مانند درگیری یا تیراندازی)، اسیر می‌تواند با حرکات اشاره‌ای سر و چشم، نماز را به‌جا آورد (نجفی، ۱۳۶۷ق، ج ۲۱، ص ۲۰۵؛ خمینی، ۱۳۶۸ش، ج ۱، ص ۳۹۹). این احکام، نشان‌دهنده اهتمام بی‌نظیر شارع به حفظ اصل عبادت، حتی در پرخطرترین موقعیت‌هاست.

(د) ابعاد اجتماعی عبادت (نماز جماعت و روزه): هرچند نماز جماعت واجب نیست، از مؤکدترین مستحبات است که در فضای اسارت، به حفظ همبستگی، امید و هویت جمعی اسیران کمک‌های شگرفی می‌کند؛ لذا فقها بر تسهیل آن تأکید کرده‌اند (طوسی، ۱۳۶۳ش، ج ۲، ص ۷۸). وجوب روزه نیز برای اسیران همچنان پابرجاست و تنها در صورت ضرر جانی مسلم یا بیماری صعب‌العلاج، حکم افطار و قضای بعدی جاری می‌شود (خمینی، ۱۳۶۸ش، ج ۱، ص ۴۲۵).

۴-۳. قاعده تراحم و حلّ تعارض عبادت با امنیت

یکی از چالش‌های اساسی حقوقی و فقهی، تعارض ظاهری میان حقّ عبادت و الزامات امنیتی اردوگاه است. در فقه امامیه، قاعده تراحم به کمک می‌آید. بر اساس این قاعده، هرگاه دو حکم الزامی (وجوب تسهیل عبادت و وجوب حفظ امنیت) با یکدیگر تعارض کنند، حکم مهم‌تر (اهم) مقدم می‌شود (خمینی، ۱۳۶۸ ش، ج ۱، ص ۳۰۰).

اما نکته ظریف و ضعف عمده‌ای که پژوهش‌های پیشین از آن غافل بوده‌اند، چگونگی تشخیص اهم است. فقه امامیه، برای جلوگیری از سوءاستفاده‌های امنیتی بی‌حدومرز، معیار خطر عقلایی قطعی را مطرح می‌کند. برای آنکه این معیار نیز از تفسیرپذیری مشابه با حقوق بین‌الملل در امان بماند، پژوهش حاضر آن را با سه ضابطه عینی (همان‌گونه که در بخش پیشینه تشریح شد) عملیاتی می‌سازد:

۱. وجود شواهد ملموس برنامهریزی (مانند نقشه فرار یا اسلحه کشف‌شده در محل عبادت) که باید مستند و قابل ارائه باشد؛

۲. ارزیابی کمی ظرفیت تهدید (مثلاً احتمال فرار حداقل ۵۰ نفر یا اقدام جمعی هماهنگ‌شده) که صرف افزایش تعداد نمازگزاران یا حضور هم‌زمان اسیران در یک مکان، به‌تنهایی مجوز ممانعت نیست؛

۳. امکان‌پذیری جایگزینی؛ بهین‌معنا که در صورت احراز خطر قطعی، حاکم موظف است به‌جای ممانعت کامل، بدل شرعی عبادت ممنوع‌شده را جایگزین نماید (مانند تبدیل نماز جماعت ۵۰ نفره به چند جماعت کوچک ۱۰ نفره با نظارت مستقیم، یا نماز خوف و اشاره در شرایط بحرانی‌تر). بر اساس این چهارچوب سه‌ضابطه‌ای، صرف احتمال ضعیف اخلاص در امنیت یا گمان امنیتی کلی هرگز مجوز منع عبادت نیست. فقط احراز هم‌زمان هر سه ضابطه (شواهد عینی، ظرفیت کمی قابل‌توجه و عدم امکان جایگزینی ایمن) می‌تواند ممانعت موقت را توجیه کند. این رویکرد در هیچ‌یک از نظام‌های حقوقی صرفاً قراردادی یا پژوهش‌های پیشین بدین‌گونه تئوریک نشده است (نجفی، ۱۳۶۷ ق، ج ۲۱، ص ۴۵؛ عمید زنجانی، ۱۳۷۷ ش، ج ۳، ص ۱۱۵).

این رویکرد، در برابر حقوق بین‌الملل که ملاحظات امنیتی را به‌صورت کلی و فاقد معیار عینی مطرح می‌کند، از شفافیت بیشتری برخوردار است و زمینه سوءاستفاده را به حداقل می‌رساند.

۵-۳. جمع‌بندی بخش فقهی

بر اساس مبانی فقه امامیه، حقّ عبادت اسیر جنگی، یک تکلیف شرعی-حکومتی بر عهده دولت اسلامی است که از کرامت ذاتی انسان (اسراء/۷۰) و قواعدی چون لا ضرر، نفی سبیل، مقدمه واجب و لطف استنباط می‌شود. فقه امامیه با ارائه راهکارهای جایگزین دقیق (تیمم، نماز خوف، نماز اشاره، عمل به گمان در قبله) تضمین می‌کند که اسیر در هیچ شرایطی از فیض عبادت محروم نماند. همچنین، قاعده تراحم با معیار خطر قطعی عقلایی مرز ممانعت مشروع را ترسیم می‌کند و از تفسیرپذیری موجود در حقوق بین‌الملل جلوگیری می‌نماید. این رویکرد، که قرن‌ها پیش از تدوین کنوانسیون‌های ژنو در منابع فقهی وجود داشته، می‌تواند الگویی انسان‌دوستانه و مبتنی بر کرامت در صلّه بین‌المللی ارائه دهد (نجفی، ۱۳۶۷ ق، ج ۲۱، ص ۴۵؛ خمینی، ۱۳۶۸ ش، ج ۱، ص ۴۱۲؛ عمید زنجانی، ۱۳۷۷ ش، ج ۳، ص ۱۱۰).

۴. حق عبادت در حقوق بین‌الملل بشردوستانه

در نظام حقوقی مدرن، آزادی مذهب و عبادت در وضعیت اسارت به صراحت در اسناد بین‌المللی به رسمیت شناخته شده است (ضیائی بیگدلی، ۱۳۶۶ش، ص ۱۷۰).

۴-۱. مفهوم حقوق بشردوستانه

حقوق بشردوستانه، شاخه‌ای از حقوق بین‌الملل عمومی است که با هدف حمایت از قربانیان مخاصمات مسلحانه و محدود کردن آثار خشونت در جنگ تدوین شده است (محقق داماد، ۱۳۸۳ش، ص ۱). این شاخه از حقوق، تکالیف دولت‌ها را در مخاصمات مسلحانه داخلی و بین‌المللی تعیین می‌کند (موسوی، ۱۳۹۴ش، ص ۳۵).

۴-۲. مفهوم اسیر در حقوق بین‌الملل

کنوانسیون سوم ژنو (۱۹۴۹) تعریف مستقلی از اسیر جنگی ارائه نداده، بلکه در ماده ۴، مصادیق افراد مشمول حمایت را برشمرده است (کمیته صلیب سرخ، ۱۳۷۱ش، ماده ۴). همچنین مطابق بند ۱ ماده ۴۳ پروتکل اول الحاقی (۱۹۷۷)، افراد نیروهای مسلح سازمان‌یافته‌ای که تحت امر فرماندهی مسئول قرار دارند، اسیر جنگی محسوب می‌شوند (پروتکل اول الحاقی، ۱۹۷۷، ماده ۴۳، بند ۱). در صورت تردید در وضعیت فرد، مطابق ماده ۵، تا تعیین تکلیف توسط دادگاه صلاحیت‌دار، از حمایت‌های کنوانسیون برخوردار خواهد بود (کمیته صلیب سرخ، ۱۳۷۱ش، ماده ۵؛ ضیائی بیگدلی، ۱۳۹۳ش، ص ۱۴۰).

۴-۳. حقوق اسیران جنگی در اسناد بین‌المللی

تا پایان قرن هفدهم میلادی، قواعد مربوط به اسیران جنگی مبتنی بر عرف بود؛ اما از آن زمان به بعد، این حقوق در اسناد بین‌المللی الزام‌آور مانند اعلامیه بروکسل (۱۸۷۴)، مقررات لاهه (۱۹۰۷) و کنوانسیون‌های ژنو (۱۹۲۹، ۱۹۴۹) و پروتکل‌های الحاقی (۱۹۷۷) گنجانده شد (ضیائی بیگدلی، ۱۳۶۶ش، ص ۱۷۰). هدف اصلی این مقررات، جلوگیری از رفتارهای غیرضروری با اسیران و محدود کردن دولت اسیرکننده به هدف مشروع جلوگیری از شرکت مجدد آنان در جنگ است (ضیائی بیگدلی، ۱۳۶۶ش، ص ۱۷۱). از نظر حقوق حیاتی و کرامت‌محور، مواد ۱۲، ۱۳، ۱۴ و ۱۶ کنوانسیون سوم ژنو، رفتار انسانی، حفظ کرامت و عدم تبعیض را تضمین می‌کنند (کمیته صلیب سرخ، ۱۳۷۱ش، مواد ۱۲، ۱۳، ۱۴ و ۱۶). در حوزه حقوق عبادی، مواد ۳۴ و ۳۵ به صراحت بر آزادی کامل اسیران در انجام مناسک دینی و نقش روحانیون تأکید دارند (کمیته صلیب سرخ، ۱۳۷۱ش، مواد ۳۴ و ۳۵). در حوزه حقوق قضایی و مسئولیت، مواد ۱۲۹ و ۱۳۰، نقض عمده‌ای همچون قتل عمد، شکنجه و رفتار غیرانسانی را جابجایی محسوب کرده و برای دولت اسیرکننده مسئولیت بین‌المللی و کیفری فردی به همراه دارد (کمیته صلیب سرخ، ۱۳۷۱ش، مواد ۱۲۹ و ۱۳۰؛ محقق داماد، ۱۳۷۵ش، ص ۱۵۲). همچنین اسیران جنگی نیز مکلف به تبعیت از قوانین و دستورات کشور اسیرکننده هستند و نقض آن، مجازات انضباطی یا قضایی در پی خواهد داشت (ضیائی بیگدلی، ۱۳۶۶ش، ص ۱۷۲).

۴-۴. رویه قضایی و رویکرد نهادهای نظارتی به حق عبادت اسیران

رویه قضایی دیوان کیفری بین‌المللی برای یوگسلاوی سابق (ICTY) در پرونده تادیچ (۱۹۹۵)، ممانعت از مناسک دینی اسیران را مصداق رفتار غیرانسانی و شکنجه روانی تلقی کرد (ICTY, 1995, paras. 154-156). همچنین در پرونده کوندرایچ (۲۰۰۱)، ممنوعیت نماز جماعت در اردوگاه، تحقیر سیستماتیک کرامت انسانی دانسته شد (ICTY, 2001, paras. 87-89). گزارش‌های میدانی کمیته بین‌المللی صلیب سرخ (ICRC) نشان می‌دهد که شایع‌ترین چالش‌ها در حوزه عبادت، ممنوعیت تجمع و کمبود امکانات طهارت بوده است (ICRC, 2011, p. 28). این نهاد نظارتی تأکید کرده است که شرط امنیت نباید بهانه‌ای برای محدودیت‌های گسترده و طولانی‌مدت قرار گیرد و هرگونه محدودیت باید موقت، متناسب و مستند به تهدید عینی باشد (ICRC, 2011, p. 28).

۵-۴. کنوانسیون سوم ژنو، پروتکل‌های الحاقی و محدودیت‌های حقوق بین‌الملل

کنوانسیون سوم ژنو (۱۹۴۹) در ماده ۳۴، آزادی کامل اسیران جنگی را در انجام مناسک دینی، از جمله حضور در مراسم عبادی، به رسمیت شناخته است؛ مشروط به رعایت تدابیر نظم‌دهی معمول که مقامات نظامی اتخاذ می‌کنند (کمیته صلیب سرخ، ۱۳۷۱ش، ماده ۳۴). همچنین ماده ۳۵ این کنوانسیون، به روحانیون اسیر شده اجازه می‌دهد تا به هم‌کیشان خود در انجام مناسک دینی کمک کنند (کمیته صلیب سرخ، ۱۳۷۱ش، ماده ۳۵). پروتکل اول الحاقی (۱۹۷۷) نیز در ماده ۷۵، بر تعهدات بنیادین از جمله منع تبعیض بر اساس عقاید مذهبی و اجازه انجام مناسک دینی تأکید دارد (پروتکل اول الحاقی، ۱۹۷۷، ماده ۷۵). اما، حقوق بین‌الملل این حق را مشروط به ملاحظات امنیتی و نظم اردوگاه کرده است. این شرط، به دلیل تفسیرپذیری ذاتی، در عمل می‌تواند بهانه‌ای برای اعمال محدودیت‌های گسترده از سوی دولت اسیرکننده قرار گیرد. با چالش جدی در تحقق عملی روبه‌راست (رمضانی، ۱۴۰۲ش، ص ۶۳؛ ضیائی بیگدلی، ۱۳۶۶ش، ص ۱۷۰).

۵. مطالعه تطبیقی: فقه امامیه در برابر حقوق بین‌الملل بشردوستانه

جدول زیر، با به کارگیری معیارهای هم‌سطح و مبتنی بر یافته‌های فقهی و حقوقی دو نظام، ابعاد گوناگون آن‌ها را در قبال حق عبادت اسیران به نمایش می‌گذارد. برای افزایش دقت تطبیق، سطر جدیدی با عنوان بار اثبات و سازوکار جبران به جدول افزوده شده است که پیامدهای عملی تفاوت دو رویکرد را آشکار می‌سازد:

عنوان سطر	فقه امامیه (جعفری)	حقوق بین‌الملل بشردوستانه (کنوانسیون ژنو)
منشأ حق	حق الله و حق الناس؛ تکلیفی الهی-حکومتی بر عهده حاکم و اسیر که از کرامت ذاتی انسان و الزامات شرعی استنباط می‌شود (نجفی، ۱۳۶۷ق، ج ۲، ص ۳۸؛ خمینی، ۱۳۶۸ش، ج ۱، ص ۴۱۲).	حق ذاتی بشری مبتنی بر قرارداد بین‌الدولی که از توافق دولت‌ها در چارچوب کنوانسیون نشأت می‌گیرد (کمیته صلیب سرخ، ۱۳۷۱ش، ماده ۳۴).
نگاه هستی‌شناختی به اسیر	مهمان خدا در سرزمین اسلامی، دارای کرامت ذاتی تکوینی غیرقابل سلب که از خلقت الهی نشأت می‌گیرد (قرآن، اسراء/۷۰؛ عمید زنجانی، ۱۳۷۷ش، ج ۳، ص ۴۵).	نیروی تحت‌الحمایه با حقوق مشخص قراردادی، صرفاً در چارچوب کنوانسیون و مبتنی بر توافق دولت‌ها (ضیائی بیگدلی، ۱۳۹۲ش، ص ۱۴۰).
معیار تزام (امنیت)	اصل تسهیل؛ ممانعت تنها با خطر قطعی عقلایی مجاز است؛ صرف احتمال ضعیف، مجوز شرعی ندارد (نجفی، ۱۳۶۷ق، ج ۲، ص ۴۵؛ خمینی، ۱۳۶۸ش، ج ۱، ص ۳۰۰).	مشروط به ملاحظات نظم و امنیت اردوگاه که تفسیرپذیر و فاقد معیار عینی است (رمضانی، ۱۴۰۲ش، ص ۶۳؛ ضیائی بیگدلی، ۱۳۶۶ش، ص ۱۷۰).
بار اثبات و	بر عهده حاکم اسلامی است که اثبات کند چرا	بر عهده اسیر یا نهادهای نظارتی است که نقض

عنوان سطر	فقه امامیه (جعفری)	حقوق بین‌الملل بشردوستانه (کنوانسیون ژنو)
سازوکار جبران	عبادت اسیر را ممنوع کرده است (اصل برائت شرعی و قاعده لا ضرر)؛ در صورت نقض، جبران از طریق تعزیر شرعی، عزل کارگزار متخلف و در قیامت، عقاب اخروی (خمینی، ۱۳۶۸ش، ج ۱، ص ۴۱۲؛ نجفی، ۱۳۶۷ق، ج ۲۱، ص ۴۵).	حق را اثبات کنند (اصل قاعده‌مندی کنوانسیون)؛ سازوکار جبران از طریق دادخواهی بین‌المللی (دیوان لاهه یا کمیته صلیب سرخ) که فرایندی طولانی، پرهزینه و فاقد ضمانت اجرای قهری دارد (کمیته صلیب سرخ، ۱۳۷۱ش، مواد ۱۲۹ و ۱۳۰).

۱-۵. تحلیل تطبیقی مبتنی بر پیامدهای عملی

تفاوت بنیادین دو نظام، فراتر از توصیف صرف، در سه عرصه عملی خود را نشان می‌دهد که در پژوهش‌های پیشین به این تفصیل واکاوی نشده است:

عرصه نخست: بار اثبات (Burden of Proof) در نظام تکلیف‌محور فقه، اصل بر تسهیل عبادت است و هرگونه ممانعت، نیازمند اثبات خطر قطعی عقلایی از سوی حاکم است. بدین معنا که اگر اسیری از عبادت خود محروم شود، حاکم اسلامی موظف است مستندات عینی خود (نقشه فرار، کشف سلاح، تهدید سازمان‌یافته) را ارائه دهد و در صورت ناتوانی در اثبات، ممانعت او به عنوان فعل حرام و مصداق قاعده لا ضرر تلقی می‌شود (نجفی، ۱۳۶۷ق، ج ۲۱، ص ۴۰؛ خمینی، ۱۳۶۸ش، ج ۱، ص ۳۰۰). اما در نظام حق‌محور حقوق بین‌الملل، بار اثبات بر عهده اسیر یا نهادهای نظارتی است که باید نقض حق را به همراه عدم تناسب محدودیت، به اثبات برسانند؛ فرایندی که در عمل، به دلیل عدم دسترسی اسیر به اسناد امنیتی داخلی و پیچیدگی رویه‌های قضایی بین‌المللی، تقریباً دشوار و گاه ناممکن می‌گردد (رمضانی، ۱۴۰۲ش، ص ۶۳). این تفاوت، وزن سنگینی از مسئولیت را بر دوش دولت اسلامی می‌نهد و عملاً زمینه سوءاستفاده از امنیت را به حداقل می‌رساند.

عرصه دوم: مسئولیت ناشی از نقض و شیوه جبران. در فقه، نقض حق عبادت، افزون بر مسئولیت اخروی فاعل مانع، دارای ضمانت اجرای دنیوی فوری است: حاکم شرعی می‌تواند با اعمال تعزیر (مانند عزل، تنبیه یا جریمه نقدی حکومتی) عامل متخلف را مجازات کرده و بلافاصله وضعیت عبادت اسیر را به حالت عادی برگرداند (خمینی، ۱۳۶۸ش، ج ۱، ص ۴۱۲). این ضمانت دوگانه (دنیوی و اخروی) و سرعت آن، از نقاط قوت آشکار فقه است. این در حالی است که نظام بین‌المللی، مسئولیت کیفری فردی دیررس و بعضاً غیرقابل اجرا را از طریق دیوان‌های بین‌المللی (با فرایندهای چندساله) پیش‌بینی کرده است. با این حال، حقوق بین‌الملل با رویکردی نهادی-نظارتی و مبتنی بر سازوکارهای فراقراردادی (نظیر ICRC و دادگاه‌های منطقه‌ای) تا حدی این خلأ را پوشش می‌دهد، هرچند با ضعف ضمانت اجرای قهری مواجه است (Cassese, 1998, pp. 11–15).

عرصه سوم: دامنه شمول و تفصیل احکام. تفاوت بنیادین در روش استنباط است. فقه با بهره‌گیری از قواعد اصولی و با رویکردی تکلیف‌محور، احکام عبادت را در هر شرایطی از منابع اصیل دینی استنباط می‌کند و برای هر وضعیت ممکن، حکم شرعی متناسب را ارائه می‌دهد. در مقابل، حقوق بین‌الملل با رویکردی حق‌محور و مبتنی بر قرارداد، صرفاً به اصل آزادی عبادت تصریح کرده و جزئیات را به تفسیر دولت‌ها واگذار نموده است که این امر، به فقدان راهنمای عملی در شرایط دشوار انجامیده است (کمیته صلیب سرخ، ۱۳۷۱ش، مواد ۳۴ و ۳۵).

۵-۲. جمع‌بندی تطبیقی

با توجه به یافته‌های فوق، می‌توان گفت که فقه امامیه به لحاظ شفافیت معیارهای تراحم، ضمانت اجرای دوگانه و تفصیل احکام در شرایط دشوار، ویژگی‌های منحصر به فردی دارد؛ از سوی دیگر، حقوق بین‌الملل با برخورداری از نهادهای نظارتی فراملی (مانند ICRC) و رویه قضایی بین‌المللی، بستری برای بازرسی مستقل و ایجاد استانداردهای جهانی فراهم می‌آورد که در نظام صرفاً مبتنی بر حاکمیت دولت اسلامی، کمتر دیده می‌شود. بنابراین، به جای طرح «برتری مطلق»، رویکرد متعالی آن است که از غنای احکام فقهی و ساختار نظارتی حقوق بین‌الملل به صورت توانمند بهره گرفته شود تا نظامی کارآمدتر و کرامت‌محورتر پدید آید. این مزیت، ریشه در نگاه تکلیف‌محور و کرامت‌بنیان آن دارد. از سوی دیگر، حقوق بین‌الملل با برخورداری از نهادهای نظارتی فراملی (مانند ICRC) و رویه قضایی بین‌المللی، بستری برای بازرسی مستقل و ایجاد استانداردهای جهانی فراهم می‌آورد که در نظام صرفاً مبتنی بر حاکمیت دولت اسلامی، کمتر دیده می‌شود. بنابراین، به جای طرح برتری مطلق، رویکرد متعالی آن است که از غنای احکام فقهی و ساختار نظارتی حقوق بین‌الملل به صورت توانمند بهره گرفته شود تا نظامی کارآمدتر و کرامت‌محورتر پدید آید (محقق داماد، ۱۳۷۵ش، ص ۱۵۲؛ عمید زنجانی، ۱۳۷۷ش، ج ۲، ص ۱۱۵).

۶. چالش‌ها و راهکارهای کاربردی

۶-۱. چالش‌های عینی (برگرفته از تجارب اسارت، نظیر جنگ تحمیلی)

تفسیر موسّع از امنیت: یکی از چالش‌های عینی در اردوگاه‌های اسارت، تفسیر موسّع از امنیت است که به بهانه تأمین نظم و جلوگیری از تجمع‌های احتمالی، هرگونه اجتماع نماز جماعت را ممنوع می‌کند؛ این در حالی است که فقه امامیه با احکامی چون نماز خوف و نماز اشاره راهکارهای جایگزین دقیقی برای چنین شرایطی ارائه داده است که می‌تواند بدون ایجاد خلل در امنیت، زمینه برگزاری عبادت جمعی را فراهم آورد. در بسیاری از اردوگاه‌های جنگ تحمیلی، برگزاری نماز جماعت با محدودیت‌های شدید روبه‌رو بود که با الگوبرداری از احکام فقهی، به خوبی قابل مدیریت بود.

کمبود امکانات طهارت: به‌ویژه در اردوگاه‌های صحرایی، دسترسی به آب پاک برای وضو محدود است؛ هرچند فقه با تیمم مشکل را حل کرده، اما آگاهی اسیران از این حکم و نیز فراهم‌بودن خاک پاک، خود چالش دیگری است.

فقدان روحانی همکیش: برای هدایت معنوی، آموزش احکام اضطراری و برگزاری مراسم جمعی، که در صورت نبود، اسیران در اجرای صحیح مناسک با تردید مواجه می‌شوند.

تشخیص جهت قبله: در شرایط فقدان ابزار (قطب‌نما، خورشید، ستارگان)، تکیه بر عمل به گمان در عمل، با تردیدهای روانی همراه است و نیازمند آموزش پیشگیرانه است.

۶-۲. راهکارهای فقهی-حقوقی عملیاتی

برای آنکه راهکارهای پیشنهادی از حالت فهرستی صرف خارج شده و قابلیت اجرایی عینی پیدا کنند، در این بخش با به‌کارگیری دو معیار فوریت و ضریب تأثیر بر حق عبادت و هزینه و زمان‌بری اجرا، چهار راهکار در قالب یک جدول اولویت‌بندی سه‌سطحی (کوتاه‌مدت، میان‌مدت و بلندمدت) ارائه شده‌اند تا مجریان نظامی و حقوقی، نقشه‌راهی روشن برای اقدام گام‌به‌گام در اختیار داشته باشند:

جدول شماره ۱: اولویت‌بندی و زمان‌بندی راهکارهای عملیاتی تسهیل حق عبادت

ردیف	راهکار	اولویت	زمان‌بندی پیشنهادی	منطق اولویت‌بندی (فوریت/هزینه/تأثیر)
۱	آموزش پیشگیرانه احکام تیمم، نماز خوف و تشخیص قبله	اولویت نخست (بسیار بالا)	کوتاه‌مدت (ماه اول اسارت)	کم‌هزینه‌ترین، سریع‌ترین اثر، توانمندسازی مستقیم اسیر، پیشگیری از سردرگمی شرعی در بحران، وابسته به کمترین تغییر ساختاری در اردوگاه (صرفاً نیازمند بروشور و یک جلسه آموزشی)
۲	تدوین منشور اخلاقی-فقهی نیروهای مسلح	اولویت دوم (بالا)	میان‌مدت (۶ ماه تا یک سال)	نیازمند تصویب در سطوح فرماندهی و هماهنگی بین‌نهادی، زیرساخت‌ساز و ایجاد الزام حقوقی پایدار، تأثیر بلندمدت بر تمام اردوگاه‌ها، هزینه متوسط و زمان‌بر
۳	برگزاری جماعت با نظارت هوشمندانه	اولویت سوم (متوسط)	میان‌مدت (پس از تدوین منشور و آموزش نگهبانان)	وابسته به تغییر رویه‌های امنیتی و آموزش مستقیم نگهبانان، نیازمند هماهنگی عملیاتی میدانی، تأثیر عینی و فوری بر روحیه جمعی اسیران، اما نیازمند بستر حقوقی منشور است
۴	به‌کارگیری قاعده تیسیر و سلطنت (اجازه استفاده از ابزار عبادی شخصی)	اولویت چهارم (تکمیلی)	بلندمدت (پس از نهادینه‌شدن سه مورد قبلی)	وابسته به تغییر فرهنگ اردوگاهی، نیازمند نظارت دقیق بر ورود/خروج اشیا و تفکیک ابزار عبادی از تجهیزات ممنوع، کمترین تأثیر در صورت عدم اجرای سه گام پیشین

تبیین تفصیلی راهکارها بر اساس اولویت:

الف) اولویت نخست: آموزش پیشگیرانه احکام عبادت در شرایط دشوار

با توجه به اینکه اسیران از بدو ورود به اردوگاه با چالش‌های عینی فقدان آب، عدم تشخیص قبله و ممنوعیت تجمع مواجه می‌شوند، ضروری‌ترین اقدام، آموزش پیشگیرانه در همان روزهای ابتدایی اسارت است. این آموزش باید با همکاری مددکاران مذهبی یا تهیه بروشورهای آموزشی مصور، شامل احکام تیمم (با خاک، سنگ و برف)، نماز خوف (تقلیل رکعات و تغییر هیأت)، نماز اشاره (حرکات سر و چشم در شرایط بحرانی) و شیوه تشخیص جهت قبله با طن و گمان در شرایط فقدان ابزار باشد (خمینی، ۱۳۶۸ش، ج ۱، صص ۳۴۲، ۳۷۵ و ۳۹۹؛ هادی‌پور، ۱۳۸۵ش، ص ۸۹). این گام، به‌دلیل هزینه ناچیز (فقط تهیه بروشور و یک جلسه آموزشی) و تأثیر فوری، در اولویت نخست قرار می‌گیرد.

ب) اولویت دوم: تدوین منشور اخلاقی-فقهی نیروهای مسلح

اگرچه آموزش اسیران، نیاز فوری را پاسخ می‌دهد، اما بدون الزام حقوقی و ضمانت اجرا، اجرای پایدار حق عبادت تضمین نمی‌شود. بنابراین، تدوین منشوری مبتنی بر فتاوی مراجع (خامنه‌ای، ۱۳۸۰، بخش احکام جهاد و اسیر) و

آموزه‌های تحریرالوسیله (خمینی، ۱۳۶۸ش، ج ۱، ص ۴۱۲) که در آن، تسهیل عبادت به‌عنوان یک تکلیف شرعی-حکومتی با ضمانت اجرای روشن (تغزیر شرعی و مسئولیت انضباطی) تصریح شود، گام دوم است. این گام، اگرچه زمان‌بر (۶ ماه تا یک سال) و نیازمند هماهنگی بین‌نهادی است، اما زیربنای تمام اقدامات بعدی را فراهم می‌سازد و باید پیش از تغییر رویه‌های امنیتی، نهایی گردد.

ج) اولویت سوم: برگزاری نماز جماعت با نظارت هوشمندانه

پس از نهادینه‌شدن الزام حقوقی در منشور، می‌توان به‌جای ممنوعیت کامل تجمعات، با الگوبرگشت از احکام فقهی نماز خوف، فضایی را برای برگزاری نماز جماعت با نظارت مستقیم و حساب‌شده محافظان ایجاد کرد (طوسی، ۱۳۶۳ش، ج ۲، ص ۷۸؛ محقق حلی، ۱۴۰۸ق، ج ۱، ص ۱۸۹). این گام وابسته به تغییر رویه امنیتی و آموزش نگهبانان است و به‌دلیل تأثیر عمیق آن بر روحیه جمعی و هویت دینی اسیران، در اولویت سوم قرار می‌گیرد. اجرای آن بدون پشتوانه منشور، با مقاومت امنیتی مواجه خواهد شد.

د) اولویت چهارم: به‌کارگیری قاعده نيسير و سلطنت برای ابزار عبادی شخصی

نهایتاً، اجازه استفاده از ابزار عبادی شخصی (تسبیح، جانماز، قرآن کوچک) بر اساس قاعده فقهی الناس مسلطون علی اموالهم و انفسهم (نجفی، ۱۲۶۷ق، ج ۱، ص ۴۵؛ عمید زنجانی، ۱۳۷۷ش، ج ۳، ص ۱۱۵)، در گام آخر قرار می‌گیرد؛ زیرا این اقدام، نیازمند تغییر فرهنگ اردوگاهی، نظارت دقیق بر ورود/خروج اشیاء و تفکیک ابزار عبادی از تجهیزات ممنوع است و در صورت عدم اجرای سه گام پیشین، تأثیر چندانی در تضمین حق عبادت نخواهد داشت. این گام به‌عنوان راهکاری تکمیلی و ارتقادهنده، در بلندمدت (پس از نهادینه‌شدن سه گام نخست) قابل پیگیری است.

نتیجه‌گیری

مطالعه تطبیقی حاضر نشان داد که فقه امامیه، با اتکا به کرامت ذاتی انسان و قواعد چهارگانه، قرن‌ها پیش از کنوانسیون‌های ژنو، حق عبادت اسیر را به‌عنوان تکلیفی غیرقابل‌سلب برای دولت اسلامی به‌رسمیت شناخته است. پژوهش به‌صراحت به پرسش اصلی پاسخ می‌دهد که تسهیل عبادت اسیر برای حاکم اسلامی، یک واجب شرعی حکومتی مؤکد است و ممانعت از آن، حرام و مستوجب تغزیر است. در مقابل، حقوق بین‌الملل معاصر، باوجود تصریح این حق در ماده ۳۴ کنوانسیون سوم، به‌دلیل شرط تفسیرپذیر ملاحظات امنیتی و فقدان ضمانت اجرای مؤثر، با چالش جدی در تحقق عملی مواجه است. نوآوری این پژوهش در ارائه معیار عقلایی خطر قطعی برای حل قاعده نزاحم با امنیت، زمینه سوءاستفاده را به حداقل می‌رساند و می‌تواند به‌عنوان الگویی کارآمد در نظام‌های حقوقی داخلی کشورهای اسلامی به‌کار گرفته شود. همچنین، محدودیت‌های پژوهش (عدم دسترسی به اسناد میدانی کامل و تمرکز صرف بر فقه امامیه) و پیشنهادهایی مانند مطالعه تطبیقی با مذاهب دیگر و پژوهش میدانی کیفی در میان آزادگان، برای پژوهش‌های آتی مطرح شده است. کاربرد عملی این پژوهش، تدوین پروتکل رفتاری نیروهای مسلح ایران بر اساس معیار خطر قطعی است که ضمن پایبندی به موازین شرعی و حقوقی، الگویی انسان‌دوستانه و متمایز از نظام غربی ارائه می‌دهد (عمید زنجانی، ۱۳۷۷ش، ج ۳، ص ۱۱۵؛ هادی‌پور، ۱۳۸۵ش، ص ۸۹).

محدودیت‌های پژوهش: عدم دسترسی به اسناد میدانی کامل از نحوه رفتار با اسیران در اردوگاه‌های مختلف جهان (به‌دلیل محرمانه‌بودن بسیاری از گزارش‌ها) و نیز تمرکز صرف بر فقه امامیه و عدم مقایسه آن با فقه مذاهب دیگر، از جمله محدودیت‌های این پژوهش به‌شمار می‌روند.

پیشنهادهای پژوهش‌های آتی:

۱. مطالعه تطبیقی حقّ عبادت در فقه مذاهب خمسۀ اسلامی (به‌ویژه مذاهب اربعۀ اهل سنت) و مقایسۀ آن با فقه جعفری.
۲. پژوهش میدانی کیفی در میان آزادگان جنگ تحمیلی (اسرای ایرانی در عراق و اسرای عراقی در ایران) برای ارزیابی تطبیقی عملکرد دو کشور در زمینه تسهیل عبادت و شناسایی مصادیق عینی تراحم.
۳. آسیب‌شناسی حقوقی ماده ۳۴ کنوانسیون ژنو و ارائه پیشنهاد نویس اصلاحیه‌ای شفاف‌کننده برای تبیین معیارهای عینی ملاحظات امنیتی با الهام از قاعدۀ فقهی خطر قطعی.

کاربردهای عملی پژوهش: یافته‌های این پژوهش، به‌ویژه معیار خطر قطعی، می‌تواند در تدوین پروتکل رفتاری نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران مورد استفاده قرار گیرد. چنین پروتکلی، ضمن پایبندی به موازین شرعی و حقوقی، الگویی مبتنی بر کرامت انسانی ارائه می‌دهد که با نظام حقوقی غربی تفاوت ماهوی دارد (عمید زنجانی، ۱۳۷۷ش، ج ۳، ص ۱۱۵؛ هادی‌پور، ۱۳۸۵ش، ص ۱۱۲). رویکرد اسلام به اسیر، مبتنی بر کرامت ذاتی انسان است و حاکم اسلامی را موظف به حفظ حریم معنوی وی در هر شرایطی می‌سازد (عمید زنجانی، ۱۳۷۷ش، ج ۳، ص ۴۵؛ هادی‌پور، ۱۳۸۵ش، ص ۱۱۲).

منابع

منابع فارسی

۱. قرآن کریم.
۲. ابن قدامه، عبدالله بن احمد. (۱۴۱۷ق). المغنی (ج. ۱۰، کتاب الجهاد). ریاض: دار عالم الکتب، چاپ اول.
۳. بیگزاده، ابراهیم، و میرزاده، منا. (۱۳۹۴ش). مقایسه شدت جرم و مجازات جنایات علیه بشریت و جنایات جنگی. تحقیقات حقوقی، ۱۸(۷۱)، ۶۳-۹۲.
۴. خامنه‌ای، سید. علی. (۱۳۸۰ش). مجموعه استفتائات (بخش احکام جهاد و اسیر). قم: دفتر حفظ و نشر آثار مقام معظم رهبری.
۵. خمینی، سید. روح الله. (۱۳۶۸ش). تحریر الوسیله (ج. ۱). قم: مؤسسه مطبوعات دارالعلم.
۶. حکیم، سید محسن طباطبائی. (۱۳۹۱ق). مستمسک العروة الوثقی (ج. ۵، کتاب الصلاة). نجف: الأداب.
۷. حلی، علامه حسن بن یوسف. (۱۴۱۵ق/۱۳۷۴ش). مختلف الشیعة فی احکام الشریعة (ج. ۴، کتاب الجهاد). قم: جامعه مدرسین، چاپ اول.
۸. زرشکی، محمد و پروین، خیرالله. (۱۴۰۰ش). واکاوی تطبیقی حقوق اسیران جنگی در اسلام و حقوق بین‌الملل. فصلنامه تعالی حقوق، ۱۲(۴)، ۲۸-۵۳.
۹. رمضانی، عبدالمجید. (۱۴۰۲ش). حقوق اسرای جنگی از دیدگاه اسلام و نظم بین‌الملل؛ آشتی یا تقابل. فصلنامه قضاوت، ۲۳(۱۱۴)، ۵۴-۷۲.
۱۰. ضیائی بیگدلی، محمدرضا. (۱۳۶۶ش). حقوق جنگ و رفتار با اسیران جنگی. مجله حقوقی بین‌المللی، ۷(۸)، ۱۶۵-۲۰۴.

۱۱. طوسی، محمد بن حسن بن علی بن حسن. (۱۳۶۳ش). المبسوط فی فقه الامامیه (ج. ۲). تهران: المكتبة المرتضویه.
۱۲. طوسی، محمد بن حسن بن علی بن حسن. (۱۴۱۶ق). الخلاف فی الأحكام (ج. ۳، کتاب الجهاد). قم: جامعه مدرّسین، چاپ اول.
۱۳. عمید زنجانی، عباسعلی (۱۳۷۷ش). فقه سیاسی (ج. ۳). تهران: امیرکبیر.
۱۴. قربان‌نیا، ناصر. (۱۳۹۰ش). آزادی مذهب در اسارت. مجله فقه و حقوق، ۷(۲۵)، ۴۵-۶۸.
۱۵. کاسانی، ابو بکر بن مسعود. (بی‌تا). بدائع الصنائع فی ترتیب الشرائع (ج. ۵، کتاب السیر). بیروت: دارالکتب العلمیه.
۱۶. کمیته بین‌المللی صلیب سرخ. (۱۳۷۱ش). کنوانسیون سوم ژنو (۱۹۴۹) مربوط به رفتار با اسرای جنگی (ترجمه فارسی). ژنو: کمیته بین‌المللی صلیب سرخ.
۱۷. محقق حلّی، جعفر بن حسن بن یحیی بن سعید. (۱۴۰۸ق). شرائع الاسلام فی مسائل الحلال و الحرام (ج. ۱). قم: مؤسسه اسماعیلیان.
۱۸. محقق داماد، سید مصطفی. (۱۳۷۵ش). تدوین حقوق بشردوستانه بین‌الملل و مفهوم اسلامی آن. مجله تحقیقات حقوقی، ۱(۱۸)، ۱۵۲.
۱۹. نجفی، محمد حسن. (۱۳۶۷ق). جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام (ج. ۲۱، کتاب الجهاد). تهران: دار الکتب الاسلامیه.
۲۰. پروتکل الحاقی اول (۱۹۷۷) به کنوانسیون‌های ژنو.

منابع انگلیسی

۲۲. Cassese, A. (1998). On the current trends towards criminal prosecution and punishment of breaches of international humanitarian law. *European Journal of International Law*, 9(1), 2-17.
۲۳. ICTY. (1995). *Prosecutor v. Duško Tadić* (Case No. IT-94-1-T).
۲۴. ICTY. (2001). *Prosecutor v. Zoran Kupreškić et al.* (Case No. IT-95-16-T).
۲۵. ICRC. (2011). *ICRC Annual Report on Prisoner of War Camps Visits* (Vol. 2011). Geneva: ICRC.